

مقدمه

﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾^۱

بی‌شک تجربه‌های عرفانی، مهم‌ترین و یا یکی از با اهمیت‌ترین دست آوردهای بشر در طول زندگی آدمیان بوده است. تجربه‌ای تامّ که نبوت و ولایت تامّه الهیه است و تجربه‌های ناقص که هر کس به نوعی آن را شهود کرده است. یافته‌های این تجربه اگرچه گفتنی نبوده‌اند؛ ولی انسانیت انسان را ساخته‌اند، پس غلط نیست اگر بگوییم، فصل ممیزه آدمی، نه نطق یا اراده، بلکه همین ارتباط یافتن با حوزه‌ای فراتر از ماده است.

شهود عارفان البته مطابق با خاستگاه ایشان ترجمه شده است و بعضاً رنگ عشق و محبت و گاه طعم خوف و عظمت یافته است. گاهی نیز «صبغة الله» بر جان ولی الله الاعظم نشسته و جوهره دین و آیین یافته است و جهانی را به خویش معطر کرده است. تاریخ انسان بدون آنچه ادیان برای آدمی به ارمغان آورده‌اند، زشت و بی‌تناسب و آمیخته با خشونت است و این وحی‌های الهی بوده است که جهان انسانی را به تکامل رسانده و بدان رنگ دیگر داده است.

اسلام که به نور پیامبر عظیم الشان ما آراسته است، نمونه کامل این امر است و تشیع که گویی ردای عرفان اسلامی بر قامت آن دوخته است، تکمیل این کمال اولیه بوده است. عرفان اسلامی نتیجه‌ای جز شیعی شدن نداشته و این مقصد، تنها هدف برای مسیر سخت تجربه‌های عرفانی و شهودهای روحانی بوده است. هرکس اندکی در این بحر موج سیر کند، به تعین می‌یابد که این ردا جز بر اندام اندیشه شیعه و کلام امامیه راست نمی‌آید و از

۱. «برای ایشان سخن را پیوسته ساختیم؛ باشد که پند گیرند». (سوره قصص، آیه ۵۱)

این رو است که می‌توان گفت این آب گوارا، حتی اگر از سنگلاخ نیز جریان یافته باشد، جز در دریای عصمت فرزندان پیامبر آرام نمی‌گیرد. ولایت تامّه انسان کامل، حقیقت محمدیه، وجود منبسط و ... تنها در ظرف کلامی شیعه امکان تطابق با دستگاه فکری اسلامی را داراست و از دیگر سو، عصمت کبری، واسطه فیض، ولایت الهیه، علم تامّه امام و ...، جز در نظام فکری عرفان نظری تعریف فلسفی و عقلانی نمی‌یابد. از این روست که عرفان، حتی اگر نه به ظاهر، شیعه است و می‌توان گفت عارفان حتی اگر خود نگفته‌اند، بر این آیین بوده‌اند.

مقدمه قیصری بر شرح فصوص الحکم ابن عربی، کتابی است که در علم عرفان نظری تدریس می‌شود و از بهترین و کامل‌ترین تلاش‌ها در جهت انسجام منطقی و عقلی مباحث عرفانی است. نگارنده از آذر ماه سال ۹۱ تا اسفند ماه سال ۱۳۹۲ با جمعی از دوستان به این کتاب اشتغال داشته است. آنچه پیش روی شماست، تلاش برادرم جناب حجت الاسلام والمسلمین سید محمود صادقی در تنظیم آن مباحث است. قلم شیوا و احاطه ستودنی ایشان بر زبان فارسی، ترجمه خوب و ارزشمندی از متن قیصری به دست داده است و توان علمی و حوصله قابل تحسین وی، شرح و بسط مناسبی از آنچه در این حوزه گفته شده، گرد آورده است. در طول مدت نزدیک به چهار سال تلاش ایشان در تنظیم و نگارش این کتاب که «تحریر توحید» نام گرفته است، بارها متن بین ما در رفت و آمد بود و نکاتی از آن حک و اصلاح شد. ضمن اینکه باید در این میان از «پیشگفتار» محققانه‌ای که بر کتاب نوشته‌اند، هم یاد کنم که در جای خود نکات خوبی را در بر دارد.

امید آنکه در نظر اهل معرفت به لطف بنشینند و توشه‌ای باشد برای آنکه در محضر خدای تبارک و تعالی نقش بال ملخی را ایفا کند.

در پایان به روح مطهر امام بزرگوار درود می‌فرستم که از سرآمدان این عرصه بود.

و لله الحمد اولاً و آخراً

سید حسن خمینی

قم - سوم محرم الحرام ۱۴۳۷ - ۲۵ مهرماه ۱۳۹۴